



بسم الله الرحمن الرحيم



مقطع: متوسطہ اول

تحقیق کلاسی پایہ ہشتم

# مسئولیت پذیری نشو و نما و نشانی رشد...

استاد راهنما: حسین محمدی شفیق

استاد مشاور: حمید یوسفی

فکر و فکر بزرگ

اردیہشت ماہ سال یک ہزار و چہار صد

# مسئولیت پذیری مشروط نشانه رشد...

اسامی محققان: بارمان رحیمی نیا، پوریا صفی، سید محمد صالحی امیری، آرمان آریانیکو

چکیده:

کلمات کلیدی: مسئولیت، مسئولیت پذیری، رشد، نشانه

---

بارمان رحیمی نیا\_سرگروه، گروه ۲ پایه هشتم

barman.rahiminia@gmail.com

# فہرست مطالب

## ۱- فصل اول کلیات و مفہیم

۱

- ۱-۱-۱: مقدمہ:..... ۱
- ۱-۱-۲: طرح و بیان مسألہ:.....
- ۱-۱-۳: پیشینہ پژوهش:.....
- ۱-۱-۴: جنبہ نوآوری:.....
- ۱-۱-۵: ضرورت پژوهش:.....
- ۱-۱-۶: روش پژوهش:.....
- ۱-۲: مفہیم:.....
- ۱-۲-۱: مسئولیت:.....
- ۱-۲-۲: مسئولیت پذیری:.....
- ۱-۲-۳: رشد:.....
- ۱-۲-۴: منشا:.....

## ۲- فصل دوم: مسئولیت چیست؟

### ۱-۲: معانی مسئولیت

۱-۱-۲: مسئولیت در لغت

۲-۱-۲: مسئولیت در اصطلاح

۳-۱-۲: ؟

### ۲-۲: مسئولیت در موضوعات مختلف

۱-۲-۲: مسئولیت در مکان های عمومی

۲-۲-۲: مسئولیت در خانه

۳-۲-۲: مسئولیت در محیط زندگی

۴-۲-۲: مسئولیت در محیط آموزشی

## ۳- فصل سوم: مشاوره

۱-۳: مسئولیت و مسئولیت پذیری موجب رشد چه چیزهایی می شود؟

۳-۲: نشانه های رشد مسئولیت پذیری

۳-۳: مسئولیت پذیران

۳-۴: نمونه های مسئولیت پذیری انسان ها در دنیا

۳-۴-۱: مسئولیت مقام های دولتی

۳-۴-۲: مسئولیت مردم جامعه

۳-۴-۳: مسئولیت جوانان یک جامعه

۳-۴-۴: مسئولیت انسان ها در قبال خدا

۴- فصل چهارم: نتیجه گیری

فرست منابع و مطالب

---

کروہ فکر و بکر بزرگ



# فصل دوم: مسئولیت‌پذیری در خانواده

## ۱. سوادآموزی فرزندان توسط والدین چه تأثیری بر مسئولیت دارد؟

مسئولیت دیگر والدین، سوادآموزی به فرزندان است. تلاش در ایجاد انگیزه برای آموختن، ویژگی ارزشمند و برجسته یک خانواده فرهنگی و رشدیافته است و این علاقه را باید والدین در فرزندان خود به وجود آورند. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «مُرُوا اولادکم بطلب العلم؛ فرزندانان را به فراگیری دانش برانگیزید.

همچنین، در همین زمینه امام صادق علیه السلام می فرماید:

لقمان فرزندش را این گونه پند می داد که فرزندم! در روزها و شب ها و ساعت هایت سهمی برای آموختن علم قرار ده؛ زیرا هیچ از دست داده ای همانند از دست رفتن علم و دانش نیست در روایتی زیبا از پیامبر اکرم اسلام نیز آمده است:

از حقوقی که فرزند بر پدر دارد، سه چیز است: نام نیکی برای او انتخاب کند، خواندن و نوشتن یادش دهد و چون به سن بلوغ برسد، همسری برایش برگزیند.

## ۲. احترام متقابل و ایجاد محبت؛ یکی از مسئولیت‌های همسران در قبال یکدیگر را توضیح دهید.

سنگ نخستین بنای مقدس خانواده، با پیوند زن و شوهر نهاده می شود و در نتیجه، اولین مسئولیت نیز از همین پیوند و رابطه شکل می گیرد. زن و شوهر به محض پیوند مشترک، مسئولیت‌هایی برایشان به وجود می آید که اگر به درستی عمل کنند، محیط خانواده و در نتیجه اجتماع، یکپارچه لبریز صفا و صمیمیت می شود و رنگ معنویت به خود می گیرد. اگر

زن و شوهر به یکدیگر مهر بورزند، خانه به محیطی امن و آرام و مناسب برای رشد و کمال خود و فرزندان تبدیل خواهد شد. همه دستورهایی که در اسلام درباره چگونگی صدا کردن یکدیگر، سلام کردن، پیشباز و بدرقه رفتن، خداحافظی کردن، غذای خوب پختن، ایراد نگرفتن از کارهای یکدیگر، تمیزی و نظافت، زینت و خودآرایی، سپاس و قدردانی از یکدیگر، عیب پوشی، تبسم و خوش رویی، خوش زبانی و مسائل دیگری از این قبیل به ما رسیده است، به منظور ایجاد محبت و تحکیم روابط خانوادگی است. امام صادق علیه السلام در سخنی زیبا فرمود: «کوشش در زیاد کردن محبت به همسر، در حقیقت کوشش برای افزودن مراتب ایمانی است.» حتی تأکید شده است که این محبت را اظهار کنید و بر زبان آورید، در این صورت است که هرگز از یادشان نمی رود.

### ۳. مسؤلیت فرزندان در برابر والدین چیست؟

نکته اساسی در نهاد خانواده رعایت حقوق اساسی است که پدر و مادر برگردن فرزندان دارند. بی شک یکی از حقوق اساسی والدین احترام به آنهاست. پدر و مادر در همه مراحل زندگی از فرزندان خود توقع احترام دارند. قرآن کریم نیز به این امر بسیار اهمیت داده است که پروردگار مقدر داشت که جز او را نپرستید و به پدر و مادر خود نیکی کنید. هر گاه تا زمانی که زنده هستند هردو یا یکی از آن دو سالخورده شوند آنان را میازارید و به درشتی خطا نکنید. حتی به آنان اف هم مگویید و با آنان به اکرام سخن بگویید حقوق والدین و منزلت آنان اینگونه است.

۱. احترام و احسان به پدر و مادر را در کنار پرستش خداوند ذکر فرموده و این نشان دهنده اهمیت بالای موضوع است.

۲. هنگامی که سالخورده شدند و حوصله توقع آنان بالا رفت با آنها سازگار باشیم. و بی تاب و عصبی کم حوصله نشویم.

۳. در حق والدین دعا کردن و طلب رحمت کردن از وظایف فرزندان است.

۴. فرزندان وظیفه دارند تا در تنهایی والدین سهیم باشند یعنی تاجایی که امکان دارد به آنها سر بزنییم و نگذاریم در تنهایی بمانند.

۵. اگر روزی مادر یا پدر به فرزندان از نظر مالی احتیاج پیدا کردن ما همواره یاور و کمک رسان آنها باشیم.

۶. در روزهای بیماری و از کار افتادگی در کنار آنها باشیم و کمک کنیم تا احساس بیهودگی نکنند. امیدوارم خدا از ما راضی باشد.

## ۴. مسئولیت والدین در برابر فرزندان چیست؟

فرزند نعمتی است که خداوند به والدین عطا میکند. در روایت های معصومان از فرزند به برکت گلی از گل های بهشت و جگر گوشه مومن تعبیر شده است. از حسن بصیری نقل شده است که گفت: فرزند چیزی است که اگر زنده بماند رنجورم میکند و چون بمیرد مرگش بیتاب و توان میسازد. چون این سخن به گوش امام سجاد علیه سلام رسید فرمود: به خدا قسم که دروغ است فرزند بهترین نعمت خدا است.

مسئولیت پدر و مادر در تربیت صحیح فرزندان از هنگام انتخاب همسر و نیز از زمان انعقاد نطفه و سپس دوران بارداری آغاز میشود. مروری کوتاه بردستور های اسلامی در این باره اهمیت نهاد خانواده را در این مکتب نشان میدهد. مسئولیت اساسی والدین در برابر فرزندان تربیت صحیح است هر چند تربیت خود واژه ای عالی است که همه کردارها و فعالیت های والدین را در تمامی زمینه ها شامل میشود. منظور مادر اینجا اراستن فرزند به آداب اسلامی است. والدین با تربیت صحیح بهترین میراث را برای فرزندان خود بر جای میگذارند چرا که بنابه فرمایش پیامبر گرامی ما: هیچ میراثی از ادب و تربیت صحیح برای فرزند بهتر نیست.

# ۵. مسئولیت های فردی هر کس در خانواده را نام ببرید؟

## وظایف و مسئولیت های پدر و مادر

۱. رسیدگی به فرزندان , والدین باید نسبت به فرزندان خود توجه کامل داشته باشند و تلاش بسیار درباره ی آنان بنمایند.
۲. برابری بین فرزندان , سزاوار است که والدین همه ی فرزندان خود را در دامن محبت خویش پروراند و بین آنها از نظر محبت و عطوفت و رعایت حالاتشان تساوی برقرار کنند از پیامبر اکرم ( ص ) روایت شده که فرمودند: «اعدلوا بین اولادکم فی السر...» در پنهانی میان فرزندان خود برابری را رعایت کنید.
۳. گسترش دوستی , والدین باید محیط خانه را از دوستی و محبت آکنده کنند و بین افراد خانواده مهرورزی را گسترش دهند.
۴. پرهیز از سخن زشت و ناروا, والدین در قبال تربیت اخلاقی و دینی و تربیتی فرزندان مسئول هستند به همین خاطر, باید از گفتار ناپسند, سخن زشت و دشنام و هر آنچه که با عفت و پاکدامنی و حیا, مغایرت دارد پرهیز نمایند.
۵. مراقبت از رفتار فرزندان و نیز مراقبت از رفت و آمد آنها, چرا که اغلب جرمهای اخلاقی که از فرزندان سر می زند, از عدم مراقبت والدین می باشد.
۶. تأدیب فرزندان, بر والدین واجب است که اگر فرزندشان کار نادرستی انجام داد, او را ادب کنند تا روح سرکشی و شرارت از وجود او ریشه کن شود.
۷. مراقبت بر تغذیه فرزندان , هم از نظر حلال و حرام بودن و هم از سالم و کامل بودن.
۸. انتخاب نام مناسب برای فرزندان.

۹. آشنا ساختن فرزندان با آموزه های دینی و روشهای صحیح اخلاقی

## وظایف و مسئولیت های فرزندان (برگرفته از سوره های اسراء آیه ۲۳ و ۲۴)

۱. اطاعت و فرمانبرداری از پدر و مادر.
۲. نیکی و احسان و خدمت به پدر و مادر.
۳. اف و سخن رنجش آور به پدر و مادر نگفتن.
۴. بر سر والدین داد و فریاد نکردن (بلکه با آنها با سخن نیکو صحبت نماید).
۵. بال تواضع و فروتنی را برای والدین ، فرود آوردن .
۶. حتی المقدور نیازهای والدین را برآوردن .
۷. احترام والدین را نگه داشتن که در زیر به مواردی از آن اشاره می شود.  
(الف) جلو والدین ، پاهایش را دراز نکند.
- (ب) در مناسبت های مختلف مثل روز مادر یا روز پدر، هدیه به آنها بدهد. ج . از شوخی های نابجا و زدن حرف های زشت پیش آنها پرهیز و اجتناب کند. د. در حق آنها و برای سلامتی آنها دعا کند.
- (ه) در کارهای خانه به آنها کمک کند. امید است با عمل کردن به این وظایف و دستورات که برگرفته از کلام خداوند است احترام متقابلی بین اعضای خانواده برقرار شود.

## ۶. خدا هست را در خانواده گفته و توضیح دهید.

## پای بندی به معنویت و رعایت احساسات یکدیگر، از مسئولیت های همسران

زن و شوهر در بسیاری زمینه های جسمی و روانی با هم متفاوتند. از این رو، در نوع احساسات هم تفاوت دارند. این دوگانگی احساس را می توان در عشق ورزی و علاقه، خواسته ها و ایده ئال ها، انتخاب الگوها، واکنش های گوناگون در موقعیت های اجتماعی، میزان پای بندی به آداب و رسوم و مسائلی این گونه، به خوبی مشاهده کرد.

پس بر مرد و زن لازم است که هم از اختلاف احساسات آگاهی داشته باشند و هم به آن احترام بگذارند و در صدد جریحه دار کردن آن برنمایند؛ زیرا بیشتر درگیری های خانوادگی ناشی از رعایت نکردن احساسات است. اعتقاد به معنویت و حفظ همیشگی آن نیز از مسئولیت های مهم خانوادگی است. زن و مرد چه در دورانی که هنوز فرزندی ندارند و چه زمانی که فرزندان به گرمی و صمیمیت محفل شان می افزایند، باید بکوشند فضای معنوی خوبی را در خانه حاکم کنند تا در این فضای معنوی هم اطرافیان و هم فرزندان که به دنیا می آیند، با دیدن این الگوها به خوبی رشد کنند؛ زیرا داشتن الگو مؤثرترین و طبیعی ترین وسیله برای انتقال ارزش های اخلاقی و فرهنگی است.

## مسئولیت والدین در برابر فرزندان

فرزند، نعمتی است که خداوند متعال به والدین عطا می کند. در روایت های معصومان علیهم السلام از فرزند به برکت، گلی از گل های بهشت و جگرگوشه مؤمن تعبیر شده است. از حسن بصری نقل شده است که می گفت: «فرزند چیزی است که اگر زنده بماند، رنجورم می کند و چون بمیرد، مرگش بی تاب و توانم می سازد.» چون این سخن به گوش امام سجاد علیه السلام رسید، فرمود:

به خدا قسم، دروغ گفت. فرزند بهترین نعمت است. اگر بماند، دعایی است حاضر؛ یعنی دعایش در حق والدین مستجاب است و چون بمیرد، شفاعت کننده ای است که انسان او را پیشاپیش می فرستد.

شکر این نعمت را به جای آورند، بدین صورت که مسئولیت هایی را که —پس، والدین باید در برابر فرزندان دارند، انجام دهند. برخی به اشتباه می پندارند که فقط والدین بر گردن فرزند حق دارند و برای فرزندان هیچ حقی نیست. ابو رافع روزی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله

پرسید: «مگر فرزندان بر ما حقی دارند، همان گونه که ما بر آنها حق داریم؟» فرمود: «آری و آن گاه حقوقی را برشمرد.

# فصل سوم: مسؤلیت پذیری در قبال دوستان، معلمان و درس

## ۱. مسؤلیت درباره‌ی علم و دانش:

درباره‌ی مسئولیت ما در قبال علم و دانش در اسلام چه گفته شده؟

قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ «اسلام علم را اساس همه ارزش‌ها و جهل را ریشه همه مفاسد فردی و اجتماعی و انسان را در هر حرکتی نیازمند شناخت می‌داند و از او می‌خواهد که عقاید، اخلاق و اعمالش مبنای علمی داشته باشد، اما کدام علم و کدام معرفت؟ کدام علم معیار ارزش انسان است و موجب تکامل او؟ چه دانشی به او سود می‌رساند و راه او را در دنیا و آخرت هموار می‌کند؟ و آخر این که تشویق‌ها و تأکیدهای اسلام نسبت به علم، ناظر به چیست؟

علم در اسلام دو مفهوم دارد: یکی را حقیقت و اصل علم می‌نامیم و دیگری را ظاهر و فرع آن. از نظر اسلام علم حقیقت و جوهری دارد و ظاهر و پوسته‌ای. انواع علوم رسمی، اعم از اسلامی و غیر اسلامی، پوسته علم محسوب می‌شوند و حقیقت علم و معرفت چیز دیگری است. آن‌جا که گفته می‌شود: «خدا و فرشتگان و دانشمندان گواهی می‌دهند که جز او هیچ معبودی نیست» و یا «آنان که دانش یافته‌اند می‌دانند که آن‌چه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، حق است.» سخن از حقیقت و جوهر علم است و آن‌جا که گفته می‌شود «فقط پس از آن که علم برایشان حاصل آمد، راه تفرقه پیمودند» و یا «کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شده با یکدیگر به اختلاف نپرداختند، مگر پس از آن که علم برای آنان حاصل آمد.»، سخن از ظاهر و پوسته علم است.

حقیقت علم نوری است که در پرتو آن، انسان جهان را آن‌گونه که هست می‌بیند و جایگاه خود را در هستی می‌یابد. نور علم مراتبی دارد که بالاترین آن نه تنها انسان را با راه تکامل خود آشنا می‌کند بلکه او را در این مسیر حرکت می‌دهد و به مقصد اعلای انسانیت می‌رساند. قرآن کریم با صراحت از این نور سخن می‌گوید: «آیا کسی که مرده دل بود و زنده‌اش کردیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم برود، چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکی‌هاست و از آن بیرون آمدنی نیست.»

امام علی(ع) درباره این نور و مهم‌ترین خاصیت آن یعنی رساندن انسان به مقصد اعلای انسانیت می‌فرمایند: «عقلش را زنده داشته و نفسش را کشته است تا آن‌جا که درشتی‌هایش خرد و خشونت‌هایش نرم شده و نوری پر فروغ برایش درخشیدن گرفته است که شاهراه توحید را روشن سازد و در پرتوش راه پیموده شود. بدین‌سان درها یکی پس از دیگری او را به آستان سلامت مطلق و برای اقامت جاوید می‌راند و ثابت قدم و استوار در جایگاه امنیت و آسایش ثبات می‌یابد، زیرا که او قلب خود را به کار گرفت و پروردگارش را خشنود کرد.»

آیات و احادیثی که نورانیت انسان را مقدمه حرکت صحیح او به سوی کمال مطلق می‌دانند و یا علم را به نور تفسیر می‌کنند و یا علم را ملازم با ایمان خدا و رسالت انبیای الهی و همراه با صفات پسندیده و اعمال شایسته می‌دانند در واقع جوهر و حقیقت علم را بیان می‌کنند، دلیل این‌که این نور را مغز علم و همه علوم رسمی را پوسته علم می‌شماریم، آن است که ارزش علوم رسمی به آن وابسته است. جوهر علم است که به علم ارزش حقیقی می‌دهد و علم را در خدمت انسان و در جهت تکامل و بهروزی او قرار می‌دهد، بدون آن نه تنها علم فاقد خواص و آثار علم می‌شود، بلکه تبدیل به یک عنصر ضد ارزش و ضد انسانیت می‌شود. حضرت علی(ع) فرموده‌اند: «بسی دانشمند که نادانی‌اش او را کشته و دانشی که به همراه داشته، او را سودی نبخشیده است.»

این سخن بیانگر سرنوشت علم در جهان امروز است، جامعه متمدن و دانای امروز از نادانی رنج می‌برد و قربانی جهل خویش است. این چنین است که علم، بشر را به کره ماه می‌رساند، اما نمی‌تواند در حرکت انسان به سوی



کمال مطلق و رشد و تکامل وی نقشی داشته باشد. ما همیشه باید به حرف ها و صحبت های معلممان گوش کنیم و هیچ وقت بی احترامی به معلم نکنیم و همیشه درس بخوانیم

انواع مسئولیت ما در قبال درس خواندن چیست؟

هر دانش آموزی حق دارد در مدرسه به او به اندازه سایره دانش آموزان توجه کنند و مسئولان یا معلمان مدرسه در این باره تبعیضی\* دانش آموزان توج بین او و دیگران قائل نشوند.

هر دانش آموزی حق دارد نظرش را درباره مشکلات درسی یا روشهای آموزشی در مدرسه، مؤدبانه و محترمانه بیان کند.

هیچکس نباید در مدرسه مورد تمسخر یا تنبیه بدنی قرار بگیرد مسئولان و معلمان مدرسه با همه دانش آموزان با اخلاق نیکو و مهربانی و عدالت رفتار میکنند.

مقررات و نظم کلاس و مدرسه را رعایت میکنم. در مدرسه همه تالش میکنند تا من بیاموزم و پیشرفت کنم. با معلمان و دیگر مسئولان مدرسه با ادب و احترام برخورد میکنم. به توصیه های معلم گوش میکنم و سعی میکنم درسها را خوب یاد بگیرم و تکالیفم را به موقع انجام دهم. با همکالسیهایم مهربان هستم و به آنها کمک میکنم. از اموال عمومی مدرسه که متعلق به همه است محافظت میکنم.

ما همیشه باید درس بخوانیم اگر درس نخوانیم و علم دانش یاد نگیریم یعنی مسئولیتمان را به خوبی انجام ندادیم و مرتکب گناه شده ایم و رسول الله در این باره میگویند. خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ؛ خیر دنیا و آخرت با دانش است و شر دنیا و آخرت با نادانی.

ما همیشه به حرف های معلمان با دقت گوش کنیم تا علم و دانش را به خوبی بی افزاییم اگر ما به خوبی درس بخوانیم خداوند از ما راضی است و ما مرتکب گناه نمیشویم امام صادق (ع) میگویند:

لَسْتُ أَحَبُّ أَنْ أَرَى الشَّابَّ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا.

دوست ندارم جوانی از شما [شیعیان] را جز بر دو گونه ببینم: دانشمند یا دانشجو.

به نظر من بهترین نوع علم آن علم و دانشی است که مفید باشد که قال(ع) در این باره میفرمایند:

خَيْرُ الْعِلْمِ مَانَفَعُ؛ بهترین علم آن است که مفید باشد.

و اینکه اگر ما علم دانش خوبی داریم به نظر من حتما باید به کسی که علم و دانش او کم تر است بیاموزیم که اگر ما به هر نفر علم و دانش یاد بدهیم خیلی خداوند به ما پاداش خواهد داد که به نظر من یاد دادن علم از خود یاد گیری علم جذاب تر است و امام صادق در این باره میگویند:

مَنْ تَعَلَّمَ الْعِلْمَ وَعَمِلَ بِهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ دُعَىٰ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ عَظِيمًا فَقِيلَ: تَعَلَّمَ لِلَّهِ وَعَمِلَ لِلَّهِ وَعَلَّمَ لِلَّهِ؛ هر کس برای خدا دانش بیاموزد و به آن عمل کند و به دیگران آموزش دهد، در ملکوت آسمانها به بزرگی یاد شود و گویند: برای خدا آموخت و برای خدا عمل کرد و برای خدا آموزش داد.

## ۲. مسؤلیت در قبال معلمان:

### چرا باید به معلمانمان احترام گذاشت و قدر دان زحمات شان باشیم؟

امام علی (ع)، همواره در مورد احترام معلم و آموزگار، سفارش می فرمود، و دیگران را، به ارزش و اهمیت احترام نمودن به آموزگاران،

متوجه می ساخت. تا جایی که خود، با آن دریای علم و دانش که داشت همیشه می فرمود: «کسی که به من یک کلمه بیاموزد، تا پایان عمر، غلام و بنده او خواهیم بود»

یک نمونه درخشان و با شکوه دیگر، برای آن که بدانیم اسلام چه احترام شایانی برای معلم و آموزگار قائل شده است، توجه به وضع اسیر جنگی در صدر اسلام است. در آن جنگ ها، پیامبر اکرم (ص)، به کسانی که تا ساعتی پیش، شمشیر بر دست، با سپاه مسلمانان جنگیده بودند، اجازه می فرمود که هر کدام، به ده نفر از مسلمانان سواد خواندن و نوشتن بیاموزند، و پاداش این سواد خواندن و نوشتن بیاموزند و به پاداش این سواد آموزی از اسارت آزاد شوند.

امام علی علیه السلام نیز، در این کلام عمیق و پر معنی، در همین باره سخن گفته و دیگران را به احترام نمودن به معلم آموزگار، متوجه ساخته و ترغیب و سفارش فرموده است. ما نیز، باید از پیشوای راستین خود بیاموزیم یعنی هرگز نباید تیزی و برندگی زبان خود را بسوی پدر و مادر، یا خواهر و برادر بزرگتر، یا هر کسی که در راه به سخن آمدن ما زحمت کشیده است، بگیریم. و همچنین هیچگاه نباید رسایی کلام و قدرت بیانی را که از

معلم و یا شخصی دیگری آموخته ایم بر ضد خود او بکار بریم. زیرا، چنین کاری ناسپاسی است و در اسلام، ناسپاسی، زشت و ناپسند شمرده می شود.

**1.** استاد را به مثابه پدر خود بداند و مانند پدر خویش در اداء حق معلم کوشش نماید. از اسکندر پرسیدند برای چه به معلم و استاد خود بیش از پدرت ارج می نهی؟ در پاسخ گفت: معلم منشأ و سبب زندگانی جاوید و پایدار من است ولی پدر من، مجرای وجود زود گذر و فناپذیر من می باشد.

**2.** شاگرد باید به دیدهٔ تکریم و ادب به استاد بنگرد و از عیوب او چشم پوشد و با دل و زبانش از او خرده نگیرد.

**3.** شاگرد در مقابل استاد نهایت تواضع و فروتنی را داشته باشد و هرگز در مقابل او صدا بلند نکند.

**4.** در کلاس درس باید آمادگی روحی و ذهنی داشته باشد و از چرت زدن و افکار پراکنده و ... به شدت پرهیز کند.

**5.** شاگرد باید مراقب حرکات و حالات خود در مقابل استاد باشد.

**6.** عدم پیش دستی شاگرد نسبت به پاسخ پرسشها در محضر استاد. یعنی هنگامی که دیگران از استاد مطلبی می پرسند نباید شاگرد بدون اینکه استاد از او بخواهد به آن سؤال پاسخ دهد، بلکه اجازه دهد که خود استاد پاسخ آن سؤال را مطرح کند.

**7.** تمرکز حواس در کلاس درس و دقت در گوش دادن به سخنان استاد]

**8.** به هنگام نشستن در کلاس باید رو به روی استاد، خاضعانه، با ادب و نزاکت بنشیند. نباید در حضور استاد به دیوار و پستی نیمکت تکیه دهد (در حالت لمیده قرار گیرد)، به گونه ای بنشیند که پشت و پهلوی او طرف استاد قرار نگیرد. به گونه ای بنشیند که دست خود را پشت سر یا کنار سر خود به صورت متکا قرار دهد. نباید در حضور استاد به چپ و راست و بالا و پائین نگاه کند بلکه به سخنان استاد توجه داشته باشد. در محضر استاد نباید با دیگران گفتگو و شوخی نماید. از نظر دور و نزدیک بودن نیز مناسب باشد نه آنچنان دور بنشیند که نشان دهنده عدم تمایل شاگرد به سخنان استاد باشد و نه آنچنان نزدیک که موجب سلب راحتی استاد گردد.

**9.** خطاب به استاد محترمانه باشد. او را از راه دور صدا نزنند. از خطاب های غیر محترمانه مانند «تو گفتی» اجتناب کند و از کلمات احترام آمیز مانند استاد و آقا استفاده کند. در غیاب استاد نیز از او به احترام یاد کند.

**10.** شاگرد باید نسبت به تلاش های استاد در تدریس و یاددهی سپاسگزار باشد.

**11.** شاگرد باید پیش از استاد در جلسه درس حضور یافته و منتظر شرفیابی استاد باشد. حتی اگر ممکن است در مسیر راه منتظر استاد بماند و او را تا کلاس درس همراهی کند.

**12.** صدای خود را در محضر استاد بیش از اندازه بلند نکند. زیاده از حد و بدون نیاز سخن نگوید. سخن خارج از نزاکت مطرح نکند و دیگران را در محضر استاد نخنداند. از غیبت دیگران در محضر استاد اجتناب نموده

**13-** هنگام بحث علمی با استاد نظرات اساتید دیگر را در محضر او مطرح نکنند و مرتباً نگویند فلان شخص

چنین گفت فلان استاد چنان گفت.

**14.** طرح سؤال از استاد با لطافت و احترام باشد، نگویند «من حرف شما را قبول ندارم»، «مطلب آنطور که شما گفتید نیست». از اینگونه تعبیرات اجتناب کند [2].

وظائف شاگرد در قبال استادش بیشتر از این موارد است و دانش آموز باید با تمام قوا حرمت و احترام او را چه در کلاس درس و چه در خارج از کلاس نگهدارد. اما باید این نکته را نیز در نظر داشت که رابطه معلم و شاگرد، یا دانشجو و استاد، از نظر طاعت و احترام، رابطه ای یک طرفه نیست که صرفاً معلم بخواهد محترمانه طاعت و احترام شاگرد را به خود جلب کند و شاگرد از احترام و محبت متقابل محروم باشد. بلکه بر طبق منطق تعلیم و تربیت اسلامی.

## ۳. مسئولیت در قبال دوستان:

**چگونه باید میزان مسئولیت پذیری در دوستان را بهبود بخشیم..**

داشتن اعتماد به نفس فعال بودن و پویایی قبول شکست ها در صورت ناکامی به جای مقصر دانستن دیگران یا توجیه شکست ها تلاش جهت جبران ناکامی ها، انعطاف پذیر بودن در صورت لزوم پاسخ گو بودن نسبت به امور محوله و برنامه ریزی جهت دسترسی به اهداف از قبیل تعیین شده و مسئولیت پذیر نبودن معضل فرهنگی ایجاد میکند..

تفاوت در میزان ونحوه اجتماعی شدن و مسئولیت پذیری افراد تابع عوامل متعددی است که از میان آنها دو عامل خانواده و مدرسه در شیوه اجتماعی کردن آنان تاثیر به سزایی دارد. در کشور های توسعه یافته روانشناسان و جامعه شناسان تلاش میکنند. کودکان و نوجوانان را اشخاصی موثر و کار امدو صاحب زندگی فردی و اجتماعی بار آورند. زیرا سلامت و شایستگی و فساد و بیماری افراد به کیفیت تربیت و محیط اجتماعی فرهنگی آن بستگی دارد. اصلاح دیدگاه ها و نیز شیوه های تربیتی حاکم بر نهادهای تربیتی مانند خانواده و مدرسه میتواند در پرورش انسان های متفکر و مسئول و آگاه و بالنده بسیار تاثیر گذار باشد.

ما باید در دوستانمان رابطه مسئولیت پذیری را افزایش دهیم با مشاقت دادن آنها در مسائل گروهی مثل همین کاری که گروه ما انجام میدهد گروهی تحقیق میکنیم و هر کدام مسئولیتی بر عهده مان است پس باید به طور احسن و عالی مسئولیت خود را انجام دهیم. به طور کلی در مدارس پرورش باید در سه حیطه دانش و توانایی و

مسئولیت پذیری باشد و تعهد صورت پذیرد برلی آنکه دانش آموزان مسئولیت پذیر باشند باید توانایی ساخت  
خاطرات و مضرات را داشته، فرصت ها و موقعیت ها را بشناسد و از انگیزه لازم برای انتخاب رفتاری که هم منافع  
خود و هم دیگران را تضمین کند برخوردار باشد. امید است با اصلاح دیدگاه ها و شیوه های تربیتی در خانواده و  
جامعه شاهد پرورش و بالندگی نسل آینده ساز این مرزو بوم باشیم...